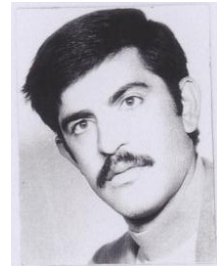


رفیق عبدالباقی کاویانی

(کاک باقی)



رفیق باقی در سال 1331 در یک خانوادهٔ زحمت کش در شهر بانه متولد شد و از ابتدای زندگی با ستم طبقاتی و ملی که بر شانه های کارگران و زحمت کشان کردستان سنگینی می کند آشنا شد. او که از نزدیک ناظر و شاهد فقر و بهره کشی بود، از همان آغاز جوانی یعنی در سال های 46-47 و هم زمان با اوج گیری جنبش مسلحانه ای دیگر در کردستان، به مبارزهٔ انقلابی روی آورد. پس از مدت ها فعالیت مبارزاتی یک بار در روستای " کماله " عراق، به وسیلهٔ عوامل ملا مصطفی بارزانی دستگیر شد، اما با زیرکی و هشیاری انقلابی توانست از چنگ مزدوران خود فروخته بگریزد. او رزمنده ای خستگی ناپذیر و مبارزی بود که هیچ گاه از حرکت باز نمی ایستاد. لذا پس از فرار از دست جاش های ملا مصطفی، مجدداً به فعالیت سیاسی ادامه داد تا این که در سال 1352 پس از طی یک دورهٔ فعالیت انقلابی، توسط جلادان ساواک دستگیر شده و پس از تحمل شکنجه های بسیار و با حفظ اسرار خود و رفقاییش، به سه سال زندان محکوم شد. رفیق باقی در طی سه سال محکومیتش در زندان اصفهان، یکی از نمونه های مقاومت و شجاعت بود. او پس از پایان مدت محکومیتش و آزادی از زندان پیکار خود را در راه آزادی و خود مختاری خلق کرد از سر گرفت و با اوج گیری جنبش توده ای، و در قیام 57، به یکی از چهره های سازمانگر مبارزات انقلابی توده ها تبدیل شد و به عنوان نمایندهٔ " جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب " که یکی از کانون های مبارزات دمکراتیک بود، به دفاع از منافع خلق گُرد پرداخت.

رفیق باقی پیکارجویی بود آشتی ناپذیر که هیچ گاه نسبت به حاکمیت جدید توهمی نداشت. پس از اعلام موجودیت " راه کارگر " به صفوف سازمان ما پیوست و

پس از آن به عنوان یکی از برجسته ترین رفقای سازمان ما، در تمام لحظات خطیر جنبش مقاومت نقش خود را ایفا نموده و این را تا واپسین لحظات حیات پر افتخارش ادامه داد. شرکت فعال در جنگ خونین سنندج، و درگیری های متعدد در کوه و فعالیت های سیاسی مختلف، و ارتباط و برخورد با نیروهای سیاسی کردستان، از جمله فعالیت های رفیق در این دوره به شمار می آیند. آخرین مسئولیت رفیق معاونت مسئول کمیته کردستان سازمان بود. سرانجام رفیق ما در طی یک مأموریت سازمانی به همراه رفیق و هم رزم شهیدش رحمت الله خشک دامن (کاک ناصر) و تعدادی دیگر از رفقا در کوه های کردستان دچار برف و بوران شدید گردید و پس از یک شبانه روز مبارزه دلاورانه با مرگ، برای نجات جان رفقاییش، در نیمه شب 16 دی ماه 1361 به شهادت رسید.

رفیق باقی پاک باخته ای بود که برای رهائی پرولتاریا و خلق های ایران، یک دم از پاننشست و در تمامی لحظات زندگی پر افتخارش، نمونه یک کمونیست پیگیر، صادق و فداکار بود.

نام و یاد رفیق باقی همیشه الهام بخش ما و همه ره روان راه سرخ سوسیالیسم باقی خواهد ماند.